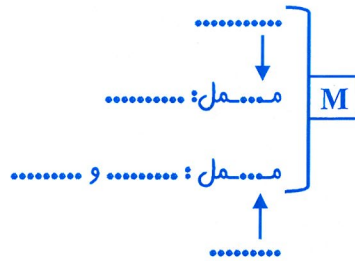


- (۱) (پهام تناسب: الف) معشوق مجنون (ب) لیل = ..... متناسب با آسمان و ...  
 (۲) عشقی که جهان را تسخیر کرد (شهره عالم شد) (۳) پدر در کار عشق او به شدت درمانده شده بود  
 (۴) برای چاره جویی به گفت و گو پرداختند  
 (۵) ک: این مشکل حل شود  
 (۶) معجز از همگی



## پرورده عشق



- استعاره از جمال و کمال  
 ۱) چون رایت عشق آن جهاگیر\* مجنون  
 هر روز خنیده نام تر گشت  
 ک: قطع امید → (برداشتن دل ز کار او) بخت  
 مشورت و چاره اندیشی نزدیکان  
 ۲) خویشان\* همه در نیاز با او  
 ک: وی را (پدر) →  
 ۳) بچاگی و را چو دیدند متفق القول  
 گفتند (به) اتفاق یک سر  
 ۴) حاجت گز جمله\* جهان اوست  
 ۵) چون موسم\* حج رسید، (برخواست  
 فرزند عزیز را به صد جهد  
 ۶) آید سوی کعبه، (سینه پر جوش) ک: بی قرار  
 وجه شبه پدر و کعبه در برابر پروردگار  
 عبادتگاه  
 ۷) محراب زمین و آسمان اوست  
 ۸) اشر طلبید و محمل\* آراست  
 سوار کرد بنشانند چو ماه در یکی مهد ک: غلام  
 ۹) چون کعبه نهاد حلقه در گوش  
 کعبه بنده و تسلیم بی چون و چرا

(۱) در اینجا منظور عشق، ورزی (۲) مر از اسارت عشق نجاتم بده (۳) چاره چوویی پدر و خویشان  
 (۴) آمیختگی عشق با وجود عاشق (۵) ۳ جمله (۶) نیازهای عاشقانه

نیست

گفت: «ای پسر، این ز جای بازی است»

قف..... / ..... گو، یا رب از این گزاف کاری\*

(۲) [دریاب که بتلای عشق شناسه]

مجنون چو حدیث عشق بشنید

۱۵ از جای چو مار حلقه بر جفت

میگفت، گرفته حلقه در بر

(۳) گویند ز عشق کن جدایی،

(۴) [پرورده] عشق شد سرشتم\*

(۵) یا رب، به خدایی خدایت قسمت می‌دهم

۲۰ کز عشق به غایتی\* رسام

گرچه ز شراب عشق متم

از عمر من آنچه هست بر جای

(می‌شنید) می‌داشت پدر به سوی او گوش

قف..... دانست که دل، اسیر دارد

که: گرفتاری در عشق

تلاش کن تاراه حل و درمانی بیایی

(بشتاب که جای چاره‌سازی است)

(توفیق دهم به رستگاری)

آزاد کن از بلای عشقم\*

اول بگیرت، پس بخنید

(در حلقه زلف کعبه زد دست) = دست به دامن شدن

کامروز منم چو حلقه بر در

در عشق ..... (این نیست طریق آشنایی) خلاف مراد عاشقی است

..... و ..... (جز عشق مباد سرنو شتم)

به کمال پادشایت قسمت می‌دهم

(کاو) ماند اگر چه من ناختم (عشق) عشق حتی پس از مرگ عشق

(عاشق تر ازین کنم که هتم) طلب عشقی

بتان و به عمر لیلی افزای ← ..... عاشقی و .....

(کاین قصه شنید، گشت خاموش) ← ساکت شد

[دردی نه دواپذیر دارد] عشق ..... ندارد

لیلی و مجنون، حکیم نظامی گنجه‌ای

۴۹- در همه گزینه‌ها به جز گزینه ... معنای همه واژگان صحیح آمده است.

(۱) (منسک: جای عبادت حاجی)، (علت: بیماری)، (غریو: بانگ)

(۲) (فراغ: آسوده)، (صلت: بخشش)، (نماز پیشین: نماز صبح)

(۳) (کران: کنار)، (محجوب: مستور)، (زر پاره: قراضه زر)

(۴) (مرثیه: مرده‌ستایی)، (ادبار: پشت کردن)، (مقرون: پیوسته)

## کارگاه متن پژوهی

### قلمرو زبانی

۱ معنای واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

از تو حرکت از خدا پرکت

■ جهد برتوست و بر خدا توفیق زانکه توفیق و جهد هست رفیق سنایی

توصیف شخصی و .....

■ خنیده به گیتی به مهر و وفا ز اهریمنی دور و دور از جفا ( فردوسی

۲ سال گذشته خواندیم که در شیوه بلاغی، جای اجزای کلام در جمله، تغییر می کند،

اما در متن آموزشی، مطابق با شیوه عادی و نوشتار معیار، نهاد در آغاز جمله و فعل در

پایان آن قرار می گیرد.

■ اکنون اجزای بیت زیر را مطابق زبان معیار مرتب کنید.

گفتند به اتفاق یکسر کز کعبه گشاده گردد این در

۳ در بیت‌های زیر، نقش «م» را بررسی کنید.

الف) دریاب که مبتلای عشقم آزاد کن از بلای عشقم

ب) پرورده عشق شد سرشتم جز عشق مباد سرنوشتم

### قلمرو ادبی

۱ شاعران، در سرودن منظومه‌های داستانی، غالباً از قالب «مثنوی» بهره می گیرند؛

مهم‌ترین دلیل آن را بنویسید.

۵۰- بیت زیر با کدام بیت قرابت مفهومی دارد؟

- «بگیر ای جوان دست درویش پیر  
مشکل بود گرفتن چیزی ز دست خلق  
جوان گر چه شاه دلیران بود  
جوانمردی از کارها پیشه کن  
در این خواری ای کاش می مردم آری  
نه خود را بیفکن که دستم بگیر»  
دست کسی بگیر اگر دست می دهد  
گه چاره محتاج پیران بود  
همه نیکوی اندر اندیشه کن  
جوانمرد را مرگ بهتر ز خواری

۲ هر یک از بیت های زیر را از نظر کاربرد آرایه های ادبی بررسی کنید.

- چون رایت عشق آن جهان گیر شد چون مه لیلی آسمان گیر  
■ برداشته دل ز کار او، بخت درماند پدر به کار او سخت

۳ در بیت زیر، شاعر، چگونه از تشبیه برای خلق کنایه بهره گرفته است؟  
آمد سوی کعبه، سینه پر جوش چون کعبه نهاد حلقه در گوش

## قلمرو فکری

۱ معنی و مفهوم بیت زیر را به نثر روان بنویسید.

حاجت گه جمله جهان اوست محراب زمین و آسمان اوست

۲ در بیت های هفدهم و بیستم، کدام ویژگی های «مجنون» بارز است؟

۳ بر مبنای درس و با توجه به بیت های زیر، تحلیلی از سیر فکری پدر مجنون ارائه دهید.

الف ■ عشق بازی، کار بیکاران بُود عاقلش با کار بیکاران چه کار؟ از زبان .....

نعمت الله ولی

ب ■ از سر تعمیر دل بگذر که معماران عشق روز اول، رنگ این ویرانه، ویران ریختند

بیدل

۴ مفهوم بیت زیر را با نگرش خویشانِ مجنون و چاره سازی آنها مقایسه کنید.

■ یک بار هم ای عشق من از عقل میندیش بگذار که دل حل بکند مسئله ها را ( تقابل عشق با ..... و عقل

محمدعلی بهمنی

۵

## گنج حکمت مردان واقعی

یکی از کوه لُکام به زیارت «سری سَقَطی» آمد. سلام کرد و گفت: «فلان پیر از کوه لُکام تو را سلام گفت.»  
سری گفت: «وی در کوه ساکن شده است؟ بس کاری نباشد! مرد باید در میان بازار مشغول تواند بود، چنان که یک لحظه از حق تعالی غایب نشود.»

تذکرة الاولیا، عطار

انسانیت حقیقی = زندگی ..... + ..... پروردگار

۵۱- کدام بیت فاقد «نقش تبعی» است؟

- ۱) او ز ما فارغ و ما طالب او در همه حال
  - ۲) زخم کاری ز فراق تو به جان بود به جان
  - ۳) می خورد مرغ دل از دوری خال و خط تو
  - ۴) گر فروغی نرود از سر کویت چه کند
- خودپسندیدن او بنگر و خود رایی ما  
جان سپاری به وصال تو بجا بود بجا  
غم بی دانگی و حسرت بی دامی‌ها  
که ملاقات رقیب تو عذاب است، عذاب

۵۲- کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

- «یک بار هم ای عشق من از عقل میندیش  
خوش است اندر سر دیوانه سودا  
پندم مده ای دوست که دیوانه سرمست  
سرانداز در عاشقی صادق است  
مرید عشقم و از یمن این مقام رفیع
- بگذار که دل بکند مسئله‌ها را  
به شرط آن که سودای تو باشد  
هرگز به سخن عاقل و هشیار نباشد  
که بد زهره بر خویشتن عاشق است  
خرد که پیر جهانی بود مرید من است

۵۳- مجهول هر یک از افعال زیر، به ترتیب، کدام است؟

- «می فروشد، رهانده‌ام، داشت بر می داشت»
- ۱) فروخته می‌شد، رهانده شده‌ام، داشت برداشته می‌شد
  - ۲) فروخته می‌شود، رهانده شده‌ام، داشت برداشته می‌شد
  - ۳) فروخته شده است، رهانده شده‌ام، دارد برداشته می‌شود
  - ۴) فروخته می‌شود، رهانده شده است، دارد برداشته می‌شود